

# درسی از گفتگو

نابید شید ۲۸ آبان ۲۵۴۹

۱۹ نوامبر ۲۰۱۹

دو روز پیش برای خرید نان به سوپرمارکتی که در غرب تورنتو است و محصولات ایرانی و عربی عرضه میکند رفتم. در قسمت نان که انواع نان ها را دارد مردی را دیدم که با فرزندش در حال انتخاب نان است از صحبت ان مرد با فرزندش دانستم که ایرانی است سلام کردم، خیلی جانخورد فوراً جواب داد و به فرزندش گفت به اقا بزرگ سلام کن فرزندش هم بفرسی سلام کرد گفتم نان های خوبی در اینجا پیدا میشود. > اصطلاح باب خزینه دوست گرفتن < شام هم در انتخاب نان ایرانی هستید گفت بله آقا، بهترین نان ها نان ایرانی است وقتی منم حرفش را شنیدم گفتم > همه چیز ایران بهترین بود چیف که ایران ما از دستمان رفت و واقعا چیف شد که شاه مانند خان کارلاس (خوان کارلوس) عمل میکرد به این گرفتاری نمی افتادیم < گفتم خان کارلاس که باشد گفت آقا شاه اسپانیا گفتم شما اسپانیا بوده اید گفت خیر گفتم از کجا میدانید که خان کارلاس چگونه عمل کرد گفت چه میدانم لا اقل مانند رضاشاه عمل میکرد و نسل این ملاها را از بیخ میکند

همنجا این فکر برایم زنده شد که برداشت مردم از گفته ها و رویدادها، دریافتنایی نیست که محتوای کلام و یا واقعیت رویدادها متوجه آنست بلکه، باورهای قدیمی و ریشه دار مردم، نسبت به رویدادها و آشنایی آنها به معناییم خودی، رویدادها و گفته ها را تفسیر میکند

حکیم مولوی این برداشت را دریتی چنین آورده است

تو هر رنگی که خواهی جامه میپوش  
که من آن قدر عمارا شناسم

امیر فیض